



## مسجد الرأس

هادی خراسانی، او را مردی اهل مطالعه در تاریخ توصیف کرده و این سخن را از او نقل می‌کند:

این مسجد به نام مسجد الرأس شناخته شد و آن را غازان بن هولاکوخان بنا نهاد. ساخت آن یک سال کامل به طول انجامید. غازان‌خان، میان نجف و مسجد «خانه» در وادی «ثویه» چادر زده بود تا این که بنای آن را کامل کرد.<sup>۲</sup>

در حاشیه کتاب «معارف الرجال» آمده است:

«مسجد الرأس» مسجدی است با بنای کهن که در سمت غرب صحن حیدری قرار دارد. شیخ جعفر محبوبه درباره آن می‌گوید:

مسجدی قدیمی است که منبری ساخته شده از سنگ‌های بزرگ، در دیوارهای آن ریشه دارد و همزمان با حرم علوی ساخته شده و «البراقی» آن را به شاه عباس اول نسبت می‌دهد؛ همان‌طور که در میان مردم نجف نیز این گونه شایع است.<sup>۱</sup>

شیخ محمد حرزالدین در شرح حال میرزا

حسین علیه السلام سلام ده. گفتیم: جانم به قربانت! مگر امام حسین علیه السلام در کربلا نیستند؟! فرمودند: بله، در کربلا هستند؛ ولی آن گاه که سر او را به شام می بردند، یکی از دوستان ما آن را ربود و کنار امیر مؤمنان علیه السلام به خاک سپرد.<sup>۴</sup>

شیخ محمد حرزالدین، از میرزاهادی خراسانی و او از سید داوود رفیعی و او از پدرش و پدرش نیز از اجدادش نقل می کند:

در مسجد غربی صحن مطهر متصل به ساباط، ایوان کوچک چهارگوشی در سمت دیوار جنوبی، میان محراب مسجد و ساباط قرار دارد. در این ایوان قبری است که بر روی آن پنجره‌ای از فولاد گران بها و ارزشمند می باشد و دارای دری قفلدار است. آن جا مدفن سر امام حسین علیه السلام فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.<sup>۵</sup>

و نیز در پاورقی روایت آمده است:

اسماعیلیان هندیتبار این قبر را

زیارت می کردند و زیارتش

در نزد آنان جایگاه

ویژه‌ای داشت، تا اینکه

تعداد زائران آن زیاد

شد. بلافاصله پس از

این افزایش جمعیت،

اداره اوقاف عثمانی

در نجف، از سمت تکیه

«غازان خان در سال ۷۰۳ هجری، برابر با ۱۳۰۴ میلادی در ری درگذشت».<sup>۳</sup>

درباره نام گذاری این مسجد به «مسجد الرأس» دو احتمال وجود دارد:

اول: موقعیت مسجد؛ چرا که در سمت سر حضرت علیه السلام واقع است.

دوم: روایات؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده که سر امام حسین علیه السلام در این مسجد دفن شده است. از جمله آنها روایتی است که عبدالکریم بن طاووس، شیخ کلینی و ابن قولویه از زید بن عمرو بن طلحه نقل می کنند که گفت:

وقتی امام صادق علیه السلام در حیره بودند به من فرمودند: نمی خواهی به آنچه که به تو وعده داده بودم عمل کنی؟ گفتیم: می خواهم (مرادش بردن من برای زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بود) در این هنگام امام علیه السلام و اسماعیل سوار بر مرکب شدند و من نیز با ایشان همراه شدم. وقتی از وادی «ثویه» گذشتیم، میان حیره و

نجف، در کنار ریگ های

سفید و روشن پیاده شد.

حضرت نماز گزارند

و اسماعیل و من نیز

با آن حضرت نماز

گزاردیم. امام علیه السلام به

اسماعیل فرمودند:

برخیز و بر جدت

#### مسجد الرأس را

غازان بن هولاکوخان بنا نهاد.

ساخت آن یک سال کامل به طول

انجامید. غازان خان، میان نجف و

مسجد «حنانه» در وادی «ثویه»

چادر زده بود تا این که بنای آن

را کامل کرد.

بکتاشیه دری گشود و در اول آن را بست. هندیان و سایر زائران از در تکیه بکتاشیه داخل می‌شدند. پس از مدتی این در را هم بستند و مسجد سال‌های سال، تا زمان اشغال عراق و تشکیل حکومت عربی در عراق، بسته ماند. در این مرحله، برای بار دوم، قبرها آشکار گردید و مرمت آن در سال ۱۳۵۱ هجری آغاز شد. در روز ۲۳ ذی‌حجه همان سال، از در اول مسجد وارد آن شدیم و پس از این که به محل قبر نظر افکندیم، جز تخته سنگی بر دیوار جنوبی که طول آن بیش از یک ذراع و عرض آن یک ذراع بود، چیزی نیافتیم.<sup>۶</sup>

بر روی این تخته سنگ، نوشته‌ای به خط کوفی بود و در همان مکانی قرار داشت که شیخ محمد حرزالدین ذکر کرده است و تخته سنگ دیگری نیز به شکل محراب، در محل محراب مسجد قرار داشت که این دو تخته سنگ دارای ارزش باستانی می‌باشد. در سال ۱۹۶۵ میلادی هیئتی از

سازمان میراث فرهنگی با دوربین‌هایی مدرن برای عکس‌برداری از برخی آثار به این جا آمدند. درباره آن دو تخته سنگ از من

پرسیدند و من آنها را راهنمایی کردم. من از آنها درباره آن دو سنگ پرس‌وجو کردم و آنها گفتند: سازمان میراث فرهنگی از این دو سنگ در سال ۱۹۳۷ میلادی عکس‌برداری کرده و این دو، از جنس سنگی معروف به «حدید چینی» می‌باشند که نمونه نادری از آن هستند؛ چرا که این دو سنگ رنگی هستند، ولی حدید چینی معمولاً سیاه است. هنگام تخریب مسجد، این دو تخته سنگ را برای محافظت از شکسته شدن آنها، به انبار منتقل کردند.

شیخ جعفر محبوبه چنین نقل کرده است: گفته می‌شود این بنا (مسجد الرأس) در دوران زندگی علامه سید بحرالعلوم، برای دومین بار احداث شده و ایشان به برخی از نزدیکان و خواص خود می‌گفت این مسجد، محل قبر سر امام حسین علیه السلام است و بنای مسجد در این جا به همین دلیل می‌باشد.<sup>۷</sup> از آنچه گذشت، بر ما روشن می‌شود که بنای مسجد، یا منسوب به غازان

(متوفای ۷۰۳ هـ) است یا شاه عباس صفوی اول (متوفای ۱۰۳۸ هـ)؛ اگر فرضیه نخست را بپذیریم، بعید به نظر نمی‌رسد که

در دوره سلطان  
عبدالحمید عثمانی دیوارهای  
مسجد الرأس رنگ‌آمیزی شد و  
منبری از سنگ مرمر در آن کار گذاشتند  
و به اهل سنت اختصاص یافت. پس از  
فروپاشی حکومت عثمانی، کار بر روی آن  
متوقف شد. سپس دولت به آبادانی و  
بازسازی آن اقدام کرد





نقل می‌کند:

رضیه سلطان بیگم، دختر مرحوم شاه حسین که همسر نادر شاه بود، دو هزار نادری به ساختمان مسجد جامع - که در کنار قبر سر امام حسین علیه السلام قرار داشت - کمک کرد.

و نقل کرده است که این کار در سال ۱۱۵۶ هجری، یعنی سال طلاکاری گنبد شریف انجام شد. و نیز می‌گوید: در دوره سلطان عبدالحمید عثمانی دیوارهای مسجد الرأس رنگ‌آمیزی شد و منبری از سنگ

شاه عباس، برخی تعمیرات و اصلاحات را بر روی مسجد انجام داده باشد؛ همان‌گونه که مانند این تعمیرات را بر روی ساختمان پیشین روضه حیدری، در اوایل قرن یازدهم انجام داد.

در صورت درستی هر دو فرضیه، قدمت بنا، اجازه اجرای برخی از بازسازی‌ها بر روی ساختمان را در هر دو زمان می‌دهد؛ از جمله، آنچه که شیخ جعفر محبوبه از کتاب فارسی «تاریخ نادری» - که آن را ترجمه کرده‌ام -



مرمر در آن کار گذاشتند و به اهل سنت اختصاص یافت. پس از فروپاشی حکومت عثمانی، کار بر روی آن متوقف شد. سپس دولت به آبادانی و بازسازی آن اقدام کرد.<sup>۸</sup> پس از گذشت این فاصله زمانی و روند طولانی ساخت این مسجد مقدس - که دست کم چهار قرن و شاید هشت قرن به طول انجامید و با همه اصلاحات و تغییراتی که بر روی آن انجام شده بود - نزدیک آن رفتم و دریافتم که تنها یک سوم شمالی آن ناتمام است. درباره بقیه بنا، در کتاب «ماضی النجف» آمده است:

پنج متر از ساختمان مسجد تخریب و به خیابان پیرامون حرم مطهر افزوده شد و برخی از ستونهای آن فرو ریخت و آن مقدار که خراب شده بود، با همان سبک معماری پیشین بازسازی گردید.<sup>۹</sup>

شنیدم آیت الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی و پس از ایشان آیت الله العظمی سید جمال الدین هاشمی گلپایگانی و بعد از وی فرزندش آیت الله سید محمد جمال هاشمی، امام جماعت این مسجد بوده‌اند. پس از سید محمد جمال هاشمی، فرزند فاضلش علامه سید هاشم هاشمی عهده‌دار این مسؤولیت بود؛ اما حکومت صدام، ایشان را دستگیر و تبعید کرد. بدین ترتیب مسجد

تدریس قرار داده بود و صبح و عصر در آن تدریس داشت. سرانجام در سال ۱۴۲۶ هجری تخریب و بازسازی این مسجد به پایان رسید و هم‌اکنون داخل طرح بزرگ توسعه رواق مقدس قرار دارد.



### پی‌نوشت‌ها

۱. جعفر الشیخ باقر آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج اول، ص ۱۰۳.
۲. محمد حرزالدین، معارف الرجال، ج ۳، ص ۲۴۲.
۳. همان، ص ۲۴۳.
۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸.
۵. معارف الرجال، ج ۳، ص ۲۴۱.
۶. همان، پاورقی اول.
۷. ماضی النجف و حاضرها، ج اول، ص ۱۰۴.
۸. همان، ص ۱۰۳.
۹. همان، پاورقی ۲.

این متن برگرفته از سایت آستان مقدس امیر مؤمنان علیه السلام است که توسط آقای محسن سلامی ترجمه شده است.